



روایت شهرآرا از فعالیت یک تشکل مردمی که اعضایش مادران ۳ فرزند یا بیشتر هستند

مادری‌های مادرانِ «مادرانه»

یلدا مهدوی

حمیده حسینا متولد مهرماه ۶۷ است. او کارشناس ار شد الهیات گرایش ادیان و عرفان است و سه فرزند دارد. حسینا مدیر تشکل مادرانه مشهد است. او در کنار فعالیت‌های اجتماعی در گروه مادرانه‌نیز برای احیای هویت مادران تلاش می‌کند و در کنارش برای کودکان نیز چیزهایی می‌نویسد. بیشتر اعضای تشکل مادرانه، مادرانی همچون خودش هستند، یعنی ۳ فرزند یا بیشتر دارند. آن‌ها دور هم جمع شده‌اند تا به زنان و مادران بگویند: «مادر چند فرزند بودن، به معنی دوری از جامعه و محدودیت نیست.

● برای رسیدن به الگوی زن مسلمان

اما شکل‌گیری تشکل کشوری مادرانه به گفته حسینا به ۱۰ سال قبل برمی‌گردد. او می‌گوید: هسته اولیه تشکل مادرانه خانم‌هایی بودند که در دوران دانشجویی جزو فعالان تشکل‌های دانشگاه بودند و پس از ورود به زندگی و بچه‌دار شدن به خلأیی‌پی بردند که در حوزه حضور مادران در اجتماع احساس می‌شد. این خانم‌ها با توجه به اهمیت رشد همه‌ساحت‌های وجودی زن و رسیدن به الگوی زن مسلمان بر آن شدند تا گروهی ایجاد کنند و به ترویج و گفتمان‌سازی مباحث مربوط به مادری توأم با رشد فردی و اجتماعی و خانوادگی زن بپردازند.

در شرایط کنونی اجتماع ما چندفرزندی به اعتقاد افکار عمومی اگر محال نباشد، بسیار سخت است. حسینا می‌گوید: در تشکل مادرانه واحد مشهد، به جز اعضای که چند فرزند دارند و فعال هستند، مادران جوان‌تری هم هستند که یک‌یاد و فرزند دارند و باور نداشته‌اند که می‌توانند در کنار تربیت فرزندشان بیشتر و مادری کردن یک شخصیت فعال اجتماعی نیز داشته باشند. تأکید تشکل مردمی مادرانه مشهد بر این است که مادری و داشتن چند فرزند، مانعی برای دوری بانوان از اجتماع و کنشگری آن‌ها نیست.

● ۲هزار مادر ایرانی در مادرانه

مدیر تشکل مادرانه واحد مشهد می‌گوید: در مسئله

جمعیت‌فرزندآوری شکل‌گیری این جمع از یک علاقه شخصی کمی فراتر رفت و بعدی تکلیفی به خود گرفت و همین باعث شد که هم‌کار در دیگر شهرها گسترش یابد و هم مادران زیادی جذب گروه شوند. خوشبختانه اکنون تشکل مادرانه ۲هزار عضو در کشور دارد.

حسینا در توضیح و تشریح برنامه‌ها و کار گروه مادرانه ادامه می‌دهد: تلاش مادرانه تحقق آرمان‌های انقلاب است. یعنی مادران در کنار فعالیت‌های کوچک و بزرگ دیگری که برای خود تعریف کرده‌اند رسالت بزرگ مادری را هم بر دوش دارند و مسئولیت‌های اجتماعی خویش را اعم از تحصیل، اشتغال و هر نوع حضور اجتماعی دیگر، به نحوی سامان‌دهند که مادری در اولویت قرار گیرد. اما شکل‌گیری تشکل مادرانه در مشهد را حسینا به دوران دانشجویی و حضورش در تهران ارتباط می‌دهد و می‌گوید: در دوران دانشجویی من و همسر من ساکن تهران بودیم که من از طریق دوستانم با تشکل مادرانه آشنا شدم. آن زمان فرزند اولم دنیا آمده بود. دوری از خانواده، دانشجوی بودن و در کنار آن سادر شدن سببی شد تا از فرصت آشنایی با اعضای تشکل مادرانه به خوبی بهره‌بریم. سال ۹۵ و پس از آنکه به مشهد برگشتم، با جمعی از دوستان تصمیم گرفتیم هسته اولیه تشکل مادرانه در مشهد را ایجاد کنیم.

او می‌گوید: هدف اولیه تشکیل این گروه تلاش برای متوقف نشدن تأثیرگذاری اجتماعی توأمان با مادری و متوقف نشدن رشد فردی و معنوی مادران است. اینجا فرصتی برای با هم بودن و هم‌فکری و هم‌افزایی مادران حزب الهی است تا از فضای دغدغه‌های اجتماعی جدا نشوند و برای رشد همه‌جانبه خود و تربیت هر چه بهتر کودکان خود تلاش کنند.

● حضور ۲۰۰ مادر مشهدی در جمع‌های مادر کودکی ادامه روایت خانم حسینا به حضور مادران در تشکل می‌پردازد و اینکه «برنامه‌های تشکل به نحوی است که مادران بتوانند با فرزندانشان خود در فعالیت‌های اجتماعی شرکت کنند. با این شرایط هم مادران با خیال آسوده کارهای اجتماعی خود را انجام می‌دهند و هم بچه‌ها در کنار مادر خود از همان کودکی کار جمعی را تجربه می‌کنند، برگزاری جلسات مستمر می‌کشی از نکاتی است که حسینا به آن اشاره دارد. او می‌گوید: این جلسات هر دو هفته یک بار و در یکی از مساجد محلات مشهد با همراهی مادران و کودکانشان برگزار می‌شود. این جلسات اهداف متعددی دارند، مثل ایجاد شبکه مادران انقلابی، تسهیل امر مادری و ترویج سبک زندگی انقلابی، تلاش برای رشد و اعتلای فرهنگ مادری، آن‌طور که او می‌گوید، مادرانه توانسته است در بین مادران محلات مختلف مشهد جای خود را باز کند. او می‌گوید: ۲۰۰ مادر مشهدی از محلات مختلف عضو مادرانه هستند. مادران محلات مختلفی از احمدآباد و پیروزی گرفته تا طبرسی و قرنی در این گروه فعالیت دارند. ● تشویق مادران برای فرزند دوم

او به تجربه خانم‌ها از حضور در این تشکل اشاره می‌کند و می‌گوید: برای خیلی از خانم‌ها که وارد این گروه می‌شوند، چند فرزند سی سخت و دشوار است. برخی واهمه دارند از اینکه چگونه از پس تربیت فرزندان بیشتر برآیند اما با دیدن خانم‌های فعال گروه که چند فرزند دارند، این ترس و گارد ذهنی‌شان از بین می‌رود. ما الان در گروه خانمی داریم که جدا از تربیت چهار فرزند، مسئولیت برنامه‌های تشکل برای یکی از محلات را هم بر عهده دارد. او تأکید می‌کند: حضور خانم‌ها و اشتراک‌گذاری تجربه‌های آنان از چند فرزند سی سبب شده است خیلی از مادرهایی که تازه به گروه می‌پیوندند برای فرزندان شدن دوباره اقدام کنند.

● مادری برای همه بچه‌های سرزمین حسینا یافتن دوستان همفکر، تبیین مسائل مختلف در بحث‌های گروهی و یافتن نگاهی نو به مادری را از برکات عضویت در تشکل مادرانه برای مادران مشهدی برمی‌شمارد و می‌گوید: مادری کردن برای کودکان سرزمین و حضور فعال مادران از تأکیدات گروه ماست، برای همین تاکنون پویش‌های متعددی را برگزار کرده ایم تا زمینه‌چین حضور اجتماعی بیشتر مادران باشیم. او با تأکید بر اینکه مؤسسه مادرانه مجموعه‌ای خودبنیاد است و مبتنی بر توانمندی‌های نظری و عملی افراد اداره می‌شود می‌گوید: همکاری و همراهی تک‌تک اعضا در پیش برد مسئولیت‌ها و رسالت‌های مجموعه و حفظ روح کلی اهمیت زیادی دارد. از این رو افراد هر یک از شعبات و زیرمجموعه‌های مادرانه ضمن شرکت در کلاس‌ها و جمع‌های آموزشی، سفیر مجموعه نیز هستند. مدیر تشکل مادرانه واحد مشهد در پایان ضمن دعوت از مادران مشهدی خواسته‌ای هم از مسئولان دارد: «به دلیل نداشتن مکانی مشخص و ثابت بیشتر جلسات مادر مساجد یا منازل مادران برگزار می‌شود. در این جلسات هر مادر با چند فرزند خود شرکت می‌کند. همین موضوع ما را برای برگزاری جلسه با چالش روبه‌رو کرده است، چون باید فضا به اندازه‌ای باشد که فرزندان و اعضا به راحتی بتوانند حضور داشته باشند. از مسئولان می‌خواهیم که در فراهم کردن مکان ثابتی با تشکل مادرانه همراهی لازم را داشته باشند».

روایت شهرآرا از مادرهایی که در کنار چند فرزند خشنودی بیشتری را تجربه می‌کنند

مادری به توان خوشبختی



الهام مهدیزاده

به جمع دست‌های ما، دودست دیگر اضافه شده است؛ دودست کوچک بانگشتانی نحیف و ظریف. می‌گویند با تولد اولین فرزند از قامت و وجود زنانه زن، یک فرشته ساخته می‌شود که هم وغمش شادی و ناراحتی فرزندش است. بدیهی است وقتی این تجربه چندبار تکرار شود، مادری هم معنا و طعم متفاوتی پیدا می‌کند. به دنبال همین طعم و معنای متفاوت به سراغ مادرانی رفته ایم که بیشتر از سه فرزند دارند.

در کنار آن‌ها از تشکلی «مادرانه، گفته ایم که با مادرانی از همین دست تشکیل شده است و یک حرف دارد: «می‌شود در کنار مادری، در اجتماع نیز حضور فعال داشت.»

معلم مادری

فاطمه متولد ۱۳۶۲ و دارای ۴ فرزند است؛ دو دختر و دو پسر. معلم کلاس اولی‌هاست و همسرش نیز معلم است. من ۲۴ بچه دارم. ۲۰ نفر از بچه‌های مدرسه ۴ بچه خودم. فرزند آخرم امید رزاست که یک سال ونیم دارد. مادر بودن و معلم بودن دو تجربه شیرین و البته سخت است. سخت‌ترین جهت که باید با برنامه‌کار کنم تا بتوانم همه کارهای محول شده را به نحوه احسن انجام دهم، خوبی معلمی این است که هم در خانه و هم سرکار، مادرم. این خودش به من انرژی زیادی می‌دهد. صبح‌ها معمولاً از ساعت ۵ صبح بیدارم. صبحانه بچه‌ها را آماده می‌کنم و بعد راهی مدرسه می‌شوم. دوست ندارم یک روز بچه‌ها بدون صبحانه به مدرسه بروند. بارها پیش آمده است که در مدرسه بچه‌هایی را دیده‌ام که صبحانه همراهشان نبوده یا مادر یک ساندویچ سرد برای بچه به عنوان صبحانه گذاشته است. وقتی به مادرها می‌گفتم بچه

باید صبحانه بخورد تا بتواند بیاورد، می‌گفتند: خانم نمی‌دانید بچه‌داری چقدر سخت است. اما همین مادرها هنگامی که متوجه می‌شدند من خودم مادر چهار فرزند هستم، تعجب می‌کردند چطور می‌توانم هم مادر چند فرزند باشم و هم شاغل.

البته قبول دارم برنامه ریزی برای مدیریت و تربیت بچه‌ها سخت است اما لحظه‌های خوب نیز بسیار دارد. همین بچه‌ها روی پایت می‌نشینند و بازبان شیرینشان واژه‌ها را ناقص می‌گویند همه خستگی‌هایت از بین می‌رود. ظهر هم که به خانه می‌روم، بعد از رسیدگی به امور خانه، به درس بچه‌ها و بازی کردن با آن‌ها می‌پردازم. خیلی‌ها کار فعالیت من را که می‌بینند گاهی جدی یاد قالب طعنه و مزاح می‌گویند: «خب داشتن این همه بچه، این درس‌ها را هم دارم.» نمی‌دانند که تجربه چند فرزند ی شیرینی‌اش هم چند برابر است.

همه برکت‌های زندگی‌ما

هم با حضور بچه‌ها و رحمان بزرگ شد. این اشتباه است که تصور کنیم ما باید بچه‌ها را تربیت کنیم. در حقیقت بچه‌ها هستند که ما را تربیت می‌کنند. مثلاً اگر زمانی از هم‌دیگر ناراحت باشیم و بخواهم بر خورد نامناسبی داشته باشیم، با دیدن بچه‌ها و حضور آن‌ها رفتار خودمان را مدیریت می‌کنیم تا در مقابل چشمان آن‌ها رفتار ناشایستی انجام ندهیم. زندگی با فرزندان است که زیبا و شادی می‌شود و

در کنار سختی‌هایی که دارد با شیرینی حضور بچه‌ها طعم واقعی خود را پیدا می‌کند. بچه‌ای که تنها ست هم بازی ندارد. با اینکه ۵ فرزند داریم، وقتی بچه‌ای از اقوام وارد خانه‌ما می‌شود منی دانی‌دباجه شوق و ذوقی هم بازی او می‌شوند. تصور اینکه بچه‌ای که تک فرزند است می‌تواند خیلی تأمل برانگیز باشد؛ کودکی که امروز بازی‌ها را ندارد در آینده فامیل‌واشنایی ندارد برای معاشرت و گپ و گفت.



شاگردی در دانشگاه «مادرانه»

پیشنهاد عضویت در مادرانه و خواندن بحث گروهی «سیسمونی» را به او دادم. حالا هر بار که صحبت خرید سیسمونی می‌شود با وجد می‌گوید: «اگر تجربیات اعضای مادرانه نبود، نمی‌توانستم آن قدر راحت و کاربردی وسایل پسرمان تهیه کنم.» بعدها روز برگزاری «بحث گروهی» به دوشنبه‌ها تغییر کرد، کمی طول کشید تا به آن عادت کنم اما همچنان عناوین نایش دل می‌برد و همراه می‌کند؛ بازی با موبایل باید‌ها و نباید‌ها، جایگاه‌فادر تربیت فرزند، مسائل دختران در آستانه تکلیف، حد تعادل در محافظت از کودکان در برابر آسیب‌ها، مدیریت تکالیف مدرسه، تربیت دیمی یا تربیت برنامه‌ریزی‌شده و...
آزاده رحیمی، یک مادر

می‌خواندم. چقدر خندیدم آن روزی که بیان بحث گروهی «خرده روایت‌های پوشکی» بود و چقدر مشارکت اعضا چشمگیر بود و شایسته قدردانی. آن روزی که عنوان بحث گروهی «سقوط و حواشی آن» بود چند باری به گریه افتادم، از صوری زانی که برای مادر شدن محتمل رنج‌های زیادی می‌شوند. بحث «چشم‌زخم و کودکان‌ما» که شد آن قدر یکی از اعضای گروه تحلیل زیبایی از موضوع ارائه کرده روایات قشنگی آورد و راهکارهای خوبی ارائه داده بود که در آن نظرانش را برای همسر من فوراً در کردم که تحسین‌اورا برانگیخت. دوستی درگیر و در خرید سیسمونی بود و هر بار سؤالات متعددی از من می‌پرسید،

پیش دبستانی و مدرسه هستم خیلی از نکات آن بحث‌ها در خاطر من هست. خیلی از مباحثی که در گروه مادرانه و توسط مادران دیگر مطرح می‌شد، مسیر مادری را برای من روشن تر کرد. انگار افرادی راه‌رفته مرا یک یا چند بار رفته بودند و برای من تازه وارد از سختی‌ها و زیبایی‌های مسیر می‌گفتند؛ از لجبازی، استقلال، نظم، بچه‌لوس، بچه‌قدر، ادب، دروغ‌گویی و رقابت. خیلی وقت‌ها که گم می‌شدم در بین مسئولیت‌ها و وظایف، خسته بودم از مادری. کلافه بودم از روزمرگی، باز هم بحث‌های گروهی مادرانه برایم چراغ راهی بود. مادرانه و بحث‌های گروهی‌اش برایم یک محل رجوع دوست‌داشتنی بود، آن‌هم وقتی که پیشنهاد های کاربردی و نایش را

یکشنبه‌های مادرانه برایم روز مقدسی بود. یک تازه‌مادر بودم و تشنه شنیدن تجربیات و نظرات مادران. هر هفته اشتیاق داشتم یکشنبه برسد و عنوان بحث گروهی مادران را در گروه مادرانه بینم. با دقت تمام مطالب را می‌خواندم و نظرات مفید را در قسمت یادداشت‌گوشی‌ام کپی می‌کردم. مثلاً آن قدر بحث «جمعیت» پر از نکته‌های ناب بود که من یک کانال تلگرامی ساختم و کل بحث را در آنجا ارسال کردم. کودک من هنوز شیرخوار بود که در گروه مادرانه بحث «مهد کودک»، «آموزش زیر هفت سال»، «هوش و خلاقیت» و «مدرسه» مطرح شد. الان که برای دخترم به دنبال

پاداش است